

معرفی کتاب

جانانان مرغ دریایی

احسان انواری

خبرنگار افتخاری، ۱۴ ساله از تهران

کتاب «جانانان مرغ دریایی» یک اثر بی نظیر و زیبا از ریچارد باخ است که در سال ۱۹۷۰ میلادی چاپ شده و بسیار محبوب شده است.

این کتاب درباره‌ی مرغ دریایی‌ای به نام جانانان است که می‌خواهد زندگی متفاوتی از بقیه مرغان دریایی داشته باشد و زندگی‌اش صرفاً خوردن و خوابیدن (مثل بقیه پرندگان) نباشد. او می‌خواهد بالاترین سرعت ممکن برای یک مرغ دریایی حرکت کند: «سرانجام پیروز شده بود. سرعت نهایی! یک مرغ دریایی با سرعت سیصد و پنجاه کیلومتر در ساعت! موفقیت عظیمی بود، باشکوه‌ترین لحظه در تاریخ مرغان دریایی! و گشوده شدن عصری تازه در برابر جانانان. همان طور که به سوی جایگاه خلوت تمرین خود پرواز می‌کرد، بال‌هایش را برای شیرجه از ارتفاع هشت هزار پایی جمع کرد. همان موقع تصمیم گرفت نحوه‌ی دوزدن را کشف کند.»

او در این مسیر از دسته‌ی خود به علت متفاوت بودن طرد می‌شود اما جانانان دست از تلاش بر نمی‌دارد و در این مسیر با مرغان دریایی بزرگی آشنا می‌شود که به او در رسیدن به کمال کمک می‌کنند.

خواندن این کتاب حس عجیب و شورانگیزی به شما می‌دهد و شما در هر صفحه از آن، می‌توانید نکات جذاب و زیبایی که مناسب قاب کردن و گذاشتن در گوشه اتاقتان است بیابید! به عنوان مثال: «آن چه را دیدگانت به تو می‌گویند باور نکن. چشم‌هایت تنها محدودیت را نشانت می‌دهند. با ادراک خود بنگر، آن گاه راه پرواز را خواهی یافت.»

امیدوارم اگر این کتاب را تهیه کرده‌اید، از خواندن آن لذت ببرید.



کتاب‌های خوب کم نیستند

خبر خوب این است که تعداد نویسندگان خوب ادبیات کودک و نوجوان در سراسر جهان کم نیست و شما اگر کتابخوان باشید، می‌توانید کتاب‌های باکیفیت زیادی برای مطالعه پیدا کنید؛ کتاب‌هایی که با قلم نویسندگان غیر ایرانی مشهوری مانند شل سیلوراستاین، رولد دال، جی کی رولینگ، آگوستینا، آندرسون و کلر و برت فرانسوی نوشته شده تا آثار نویسندگان ایرانی مانند ناصر کشاورز، مهدی آذرین‌دی، شکوه قاسمی و زهرا اسلامی.



جسمه‌ها

جشنواره شیخ بهایی جای برای شکوفایی

سیدمحمدعلی فاطمی / خبرنگار افتخاری، ۱۶ ساله از تهران



بروند. مدرسه هم علاوه بر اعطای جایزه به پروژه‌های برگزیده، نمره‌ی مثبتی با ضریبی محدود به دانش آموزان شرکت کننده در جشنواره می‌دهد.

بخش پایانی نوزدهمین دوره‌ی این جشنواره، نیمه مهر امسال برگزار شد. فضای جشنواره، صمیمی بود. از در ورودی مدرسه که وارد می‌شدی، نوجوانانی را می‌دیدید که با انگیزه و انرژی، در حال ارائه‌ی نتیجه‌ی تحقیقاتشان به دوستان و والدین خود بودند. در برخی غرفه‌ها، بچه‌ها نتایج تحقیقاتشان را به صورت قطعات تولیدی، روی میز به نمایش گذاشته بودند و نگاه کردن به اختراعات نوجوان هم‌سن و سال، بسیار جذاب بود. حتماً خود بچه‌ها هم از ارائه‌ی کارشان لذت می‌بردند.

آن روز با چند نفر از بچه‌ها گفت و گویی داشتم. احسان با طرح پژوهشی درباره مهندسی انرژی می‌گفت: «فضای جشنواره با توجه به سال قبل که درگیر کرونا بودیم، واقعاً جذاب و حرفه‌ای تر دنبال می‌شه.» محمد مهدی با طرح در حوزه پژوهش کامپیوتر هم معتقد بود این جشنواره، جای خوبی برای شکوفایی استعدادهای اوست و حتماً در دیگر مراحل زندگی او هم نقش مثبت خواهد داشت.

کیاوش که پژوهشی درباره IYPT انجام داده بود هم به نکته‌ی جالبی اشاره می‌کرد: «ما بیش تر از این که در این جشنواره با هم رقابت کنیم، به هم در طول سال و در فضای کلاس یا حتی در ارائه‌ها کمک می‌کردیم تا همه‌ی بچه‌های کلاس یک نتیجه عالی رو داشته باشیم.» با امیر عباس طاهر نژاد، دبیر جشنواره‌ی نوزدهم و از فارغ التحصیلان دبیرستان هم گفت و گویی داشتم. او گفت: «این جشنواره هر سال جاذبه‌ی بخش آموزشی مدرسه ارائه می‌شه که بچه‌ها بعد یک سال تحقیق در کلاس هاشون، میان و کارهاشون رو در کنار هم‌دیگه به اشتراک می‌ذارن و عموم مردم از تماشای اون لذت می‌برن.»

او ادامه داد: «در روز دوم جشنواره و اختتامیه، به بهترین آثار از نظر داوران و بهترین اثر از دید بازدید کنندگان، جوایزی هم اهدا می‌شه.»

تا به حال به این موضوع فکر کرده‌اید که گاهی در مدرسه هم می‌توانید از فضای معمول درسی خارج شوید و کار تحقیقاتی حرفه‌ای در حوزه‌ی مورد علاقه‌ی خود را انجام دهید؟

شاید یکی از این راه‌ها، برگزاری جشنواره‌های علمی، هنری یا مهارتی در مدارس است؛ کاری که هر ساله، ما در دبیرستانمان، در قالب جشنواره‌ی «شیخ بهایی»، در پنج حوزه‌ی کامپیوتر، فیزیک (IYPT)، نانو، مهندسی انرژی و معماری انجام می‌دهیم.

برای شرکت در جشنواره شیخ بهایی، بچه‌ها در کلاس‌های فوق برنامه و جذاب، در فضایی آزمایشگاهی همراه با مربیان توانا، شرکت می‌کنند و پس از یک سال کار و تحقیق، نتایج پروژه‌ی خود را در جشنواره‌ی درون مدرسه‌ای شیخ بهایی، به اشتراک می‌گذارند.

در مرحله‌ی اول، بچه‌ها با ارائه‌ی پروژه‌ها به داوران متخصص خارج از مدرسه، خودشان را محک می‌زنند و در مرحله‌ی دوم، پروژه‌های برگزیده، برای عموم به نمایش در می‌آید. این تحقیق‌ها به شکل اختیاری، در تابستان هر سال هم ادامه خواهد داشت و همین اتفاق باعث می‌شود بچه‌ها بتوانند یک پروژه را به سرانجام برسانند و چنداناً چنداناً از پله‌های موفقیت بالا

نخستین تجربه‌ی دوچرخه سواری

هزار بار زمین خوردن!



آیه اسلامی / خبرنگار افتخاری، ۱۶ ساله از تهران

می‌کنم می‌خواهد بگوید که تو هم دست کمی از من نداری! ۱۶ سالت است و هنوز نمی‌توانی یک دوچرخه را برانی!

به حرفی که زنده، پاسخی می‌دهم: «تقصیر من نبود که کسی به من دوچرخه سواری یاد نداد. تازه، دوچرخه‌ی زرد من زرد من زرد من خرف پیچگی ام هم همون روزی اول خدا پیام ز شد.» باز فکر می‌کنم که می‌گوید: «حتماً باهاش بد رفتاری کردی!» این بار دیگر تحمل نمی‌کنم و می‌گویم: «می‌دونم تنها کاری که می‌تونم انجام بدم چییه؟ راه رفتن! و حتی اون رو هم نمی‌تونم انجام بدم.» با خشم دوباره سواری می‌شوم و پدال را می‌آورم بالا و سفت که شد، پام را می‌گذارم روی آن و دوچرخه را هل می‌دهم. تالاب! دوباره پخش زمین می‌شوم و بدنم انگار جیغ می‌کشد. زیر لب می‌گویم: «بی‌عرضه.»

درد می‌کشم. گاهی درد را دوست دارم! با می‌شوم و سعی می‌کنم مثبت باشم. به سر یال مورد علاقه‌ام فکر می‌کنم، به چیزهای عجیب! به خودم گفتم: «تو

دوچرخه‌ی لعنتی! چرا صاف نمی‌ری؟ مشکلت با من چییه؟ دشمنی داری؟ در حالی که با لباس مشکی توی پارک ایستادم و از آنجیم خون می‌آمد، زل زدم به دوچرخه. یک جوری نگاهش می‌کنم که انگار هر اتفاق بدی که تاحالا برآیم افتاده، تقصیر این دوچرخه است. انگار باید جواب بدهد؛ یک جواب خوب که شامل چرت چرق لولاهای خسته‌اش نباشد. اما چیزی نمی‌گوید. همین جوری زل می‌زند به من و احساس